

## نگاهی به عملکرد مؤسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران

○ دکتر عبدالله متولی\*

۱۰۱

### پیشینه فعالیت‌های تبلیغی در ایران

گروه‌های تبشیری مسیحی در ایران تا پیش از شکل‌گیری دولت مقتدر و منسجم صفویه به صورت پراکنده فعالیت می‌کردند. اوضاع نامساعد داخلی ایران در سال‌های پیش از قرن دهم هجری، نبود دولت‌های مقتدر مرکزی و نابسامانی‌های ناشی از تهاجم قوم مغول و تیمور به ایران، حضور جدی گروه‌های مبلغ را محدود و حتی غیرممکن ساخته بود. گزارش‌های موجود تنها به حضور شمار اندکی از مبلغان مذهبی اشاره دارد که البته از نتایج کارکرد آنان نیز خبری در دست نیست.

با شکل‌گیری دولت مرکزی و نیرومند صفوی در ایران بویژه در دوره شاه عباس اول، مبلغان مذهبی انگیزه بیشتری برای حضور در ایران یافتند. علاوه بر این، علاقه متقابل بین ایران و اروپا برای ایجاد ارتباط مستمر سیاسی و تجاری زمینه‌ساز گسیل مبلغان به ایران شد. پیشروی سریع عثمانیها در خاک اروپا و شکل‌گیری دولت شیعه مذهبی صفوی در ایران، اروپاییان را بر آن داشت تا برای ناامن نمودن پشت جبهه عثمانی، ایران را به متحد خود تبدیل کنند. در کنار نمایندگان متعدد سیاسی که در دوره صفویه به ایران می‌آمدند، ورود دسته‌های مختلفی از هیئت‌های تبلیغی به ایران از دوره شاه طهماسب آغاز شد. سیاست تساهل مذهبی شاه عباس بویژه در باره مسیحیان، فضای مناسبی در اختیار مبلغین قرار داد. این گروه‌ها در ابتدا می‌بایست تنها در میان گروه‌های

مسیحی ساکن در ایران تبلیغ نمایند و حق تبلیغ در میان مسلمانان را نداشتند. ولی با تثبیت موقعیت آنان، دامنه فعالیتشان مسلمانان را نیز دربرگرفت و پا از دایره تعهد بیرون گذاردند.

با تغییر فضای داخلی ایران پس از صفویه، از شدت فعالیتهای تبلیغی کاسته شد، اما هرگز متوقف نشد و مجدداً در دوره قاجاریه با جدیت بیشتر و با برنامه های گسترده تری ادامه یافت. تا آن زمان اغلب گروههای تبلیغی را کاتولیکها تشکیل می دادند. اما در پی تحولات اروپا، بر تعداد و تنوع مبلغان نیز افزوده شد به گونه ای که شاخص ترین آنها مبلغان مذهبی آلمانی بودند که بیشتر در آذربایجان تمرکز می یافتند. دوم گروههای تبلیغی انگلیسی بودند که به عناوین مختلف و وابسته به کلیساهای متعدد پروتستان عازم ایران گردیدند و سوم مبلغان امریکایی بودند که آنها نیز محل اولیه تمرکز کاری خود را در ارومیه قرار می دادند. به جز اینها، فعالیتهای دیگری توسط مبلغان به صورت انفرادی یا در قالب کلیساهای وابسته به کشورهای دیگر صورت می گرفت.

### شیوه های تبلیغ

۱۰۲

در قرن سیزده و چهارده هجری با افزایش شمار گروههای تبلیغی، بر فعالیت آنها نیز افزوده شد. در حالی که تا پیش از این، به دلیل بهره گیری از شیوه های مستقیم، امکان نفوذ و جذب مسلمانان وجود نداشت. بنابراین شیوه ها و روشهای جدید متناسب با جامعه ایران در رأس برنامه های تبلیغی قرار گرفت.

مجموعه فعالیتهای این گروهها در چند بخش قابل تفکیک است که در پس اقدامات بشردوستانه و خیرخواهانه صورت می گرفت. اما دورنمای این اقدامات به خوبی جلوه های تبلیغی و ترویجی آن را نشان می داد. این طبقه بندی به قرار زیر است:

- ۱- کارهای فرهنگی، شامل احداث مدارس، ایجاد چاپخانه ها، انتشار کتاب و روزنامه.
- ۲- فعالیتهای سیاسی، شامل حضور در رده های مختلف اداری و سیاسی کشور در قالب هیئتهای مختلف.
- ۳- اقدامات اقتصادی، ورود در کارهای تجاری.
- ۴- کارهای عام المنفعه شامل ایجاد بیمارستان و طبابت.

### سابقه حضور هیئتهای تبلیغی امریکا

دو نفر از اولین مبلغان مذهبی امریکا که به ایران آمدند. اسمیت<sup>۱</sup> و دوایت<sup>۲</sup> بودند. زمان دقیق

نگاهی به عملکرد مؤسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران

حضور این گروه مذهبی به درستی مشخص نیست. اما بین سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۳۵ به ایران آمده‌اند.<sup>۳</sup>

هدف این گروه، ارزیابی اوضاع ایران و مسیحیان ساکن در کشور بود. آنها از طرف «کمیته آمریکایی هیئت‌های خارجی» عازم شده بودند و طی چند ماه حضور در ایران، از برخی از شهرها بویژه مناطق ارمنی نشین دیدن کردند. آنها هنگام بازگشت از این مأموریت یک کشیش آشوری را نیز با خود به آمریکا بردند. گزارش نسبتاً مفصلی نیز در خصوص ایران و ارمنستان و به خصوص درباره آشوریان ساکن ارومیه ارائه دادند.<sup>۴</sup> در گزارش آنان، چشم‌انداز مثبتی از فضای داخلی شهرهای ایران ارائه نشده بود. در بخشی از آن آمده است «روزنه بسیار باریکی از امید در تهران برای فعالیت میسیونری موجود است ولی وضع اصفهان از این حیث به نیمه‌های یک شب تاریک و ظلمانی شباهت دارد.» ظاهراً هنگام ورود این گروه به اصفهان، شورش علیه آنان شکل می‌گیرد که با حمایت نیروهای دولتی، نجات می‌یابند.

دو سال پس از بازگشت این گروه و در واپسین سال حیات فتحعلی شاه، هیئت مذهبی دیگری به سرپرستی یک کشیش آمریکایی به نام پرکینز<sup>۵</sup> به ایران آمدند. اعضای گروه شامل چند کشیش، تعدادی معلم و پرستار بودند. آنها ارومیه را محل فعالیت خود قرار دادند، اما به مرور بر گستره فعالیتشان افزودند و سایر شهرهای آذربایجان را نیز زیر پوشش خود درآوردند. آنچه که در مراحل آغازین راهگشای گروه آمریکایی بود، جلب نظر محمدشاه و دریافت تأییدیه از او بود. پرکینز با استفاده از نفوذ ملک قاسم میرزا، عموی محمدشاه، که در آذربایجان قدرتی داشت، توانست به سال ۱۲۵۵ قمری فرمانی برای آزادی فعالیت امریکاییها در آذربایجان به دست آورد. در این فرمان بیشتر به مسئله تعلیم و آموزش جوانان توجه شده بود. مبلغین آمریکایی این فرمان را مجوزی رسمی برای تثبیت موقعیت و تداوم فعالیت خود تلقی کردند و برای تحکیم وضعیت خود، این فرمان را بعدها به مهر یکی از شیخ‌الاسلامهای تبریز رسانیدند.<sup>۶</sup>

به هر روی امریکاییها توانستند در رقابت با سایر مبلغان مذهبی، جایگاه خود را در برخی از شهرهای ایران تثبیت نمایند. آنها در ابتدای فعالیت برای کاستن از حساسیتها، منکر هرگونه تبلیغ مذهبی شدند و حتی در میان مسیحیان نیز این ایده را ترویج می‌کردند که فقط قصد اصلاح‌گری داشته، به مذهب مسیحیان ساکن ایران تعرضی نخواهند کرد. طرح این شعار باعث شد تا کشیشان محلی ضمن استقبال از آنها، مخالفتی نیز با حضور آنان ابراز نکنند. ولی این وضعیت دیری نپایید و با آشکار شدن برنامه‌های مذهبی میسیونهای آمریکایی و تبلیغ برای تغییر کیش کاتولیکها به پروتستان، زمینه اختلاف و درگیری بین مسیحیان ایران را فراهم نمود و حتی به خصومت بین گروههای تبلیغی نیز انجامید.<sup>۷</sup>

نگاهی به عملکرد مؤسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران

که در حدود سال ۱۹۰۳ میلادی از ایران عبور کرده است در هنگام گذر از برخی شهرهای ایران با استقبال و پذیرایی این گروه‌های مذهبی رو به رو شده بود که به شدت از عملکرد آنها دفاع کرده است. او هنگام رسیدن به همدان به مبلغان مذهبی این شهر اشاره کرده می‌نویسد: «عده اروپاییان این شهر اندک است. بیشتر آنان در هیئت مبلغین امریکایی خدمت می‌کنند و این هیئت در سال ۱۸۸۰ میلادی (۱۲۹۷ قمری) دو مدرسه پسرانه و دخترانه در همدان تأسیس کرده است.»<sup>۱۳</sup> همان گونه که جکسن می‌نویسد، مدارس به صورت تفکیکی، دخترانه و پسرانه، فعال بودند. به نظر می‌رسد درک حساسیت جامعه ایران، این هیئت‌ها را به سمتی کشانید که مدارس را به این شکل اداره نمایند. مدرسه پسرانه رشت نیز در سال ۱۲۸۹ قمری فعال بوده است، تعداد دانش‌آموزان این مدرسه را ۱۰۳ نفر ذکر کرده‌اند. در همین زمان مدرسه دخترانه‌ای نیز با حدود ۸۷ دانش‌آموز دایر بوده است. تمرکز آموزش مدارس امریکایی رشت بر مسلمانها بود و ارمینها کمتر در این مدارس حضور داشتند.<sup>۱۴</sup> در دهه پایانی قرن سیزدهم، مدارس پسرانه و دخترانه تبریز هم فعال بوده است.<sup>۱۵</sup>

تهران به عنوان پایتخت به صورت خاص مورد توجه امریکاییها قرار داشت با این حال در مقایسه با سایر شهرهای ایران فعالیت امریکاییها با تأخیر همراه بود. مدرسه پسرانه امریکایی در سال ۱۲۹۲ قمری و مدرسه دخترانه آنها در ۱۳۱۳ قمری فعالیت خود را آغاز کرد.<sup>۱۶</sup> درباره زمان آغاز فعالیت مدرسه دخترانه امریکایی در تهران، اندکی تردید کرده‌اند. علاوه بر سال ۱۳۱۳ قمری، سال ۱۲۹۳ قمری نیز در منابع ذکر شده است و اینکه ظاهراً ناصرالدین شاه شخصاً به این مدرسه تعلق خاطر خاصی داشته است و علاوه بر کمک مالی به این مدرسه، خود از نحوه فعالیت آن نیز بازدید می‌کرد.<sup>۱۷</sup> اما در دوره بعد، مظفرالدین شاه در فرمانی، دختران را از حضور در مدارس امریکایی منع می‌کند. او دلیل این ممنوعیت را نوع پوشش دختران می‌داند. اما این فرمان صورت اجرایی به خود نگرفت و دایره فعالیت مدارس در این دوره رونق بیشتری یافت به گونه‌ای که در نیمه‌های عصر مظفری، تعداد محصلان دختر مدارس امریکایی تهران را ۱۴۵ نفر ذکر کرده‌اند.<sup>۱۸</sup>

یکی از فعال‌ترین و دیرپاترین آموزشگاههای امریکایی در تهران «کالج البرز» است. بنای این مدرسه در سال ۱۲۹۱ ش توسط هیئت امریکایی به ریاست «باست» در دروازه قزوین پایه‌ریزی شد. این مدرسه در سالهای بعد به مکانهای دیگری انتقال یافت و ریاست آن نیز به همین ترتیب تغییر می‌کرد تا اینکه در نهایت در سال ۱۲۹۲ شمسی / ۱۳۳۲ ق بنای مدرسه امریکاییها که بعدها به البرز شهرت یافت، در مکان فعلی یعنی املاک قدیمی بهجت‌آباد و خیابان حافظ امروزی ساخته شد. بسیاری از چهره‌های شاخص و فرزندان اشراف در این مدرسه و تحت نظر

دامنه این اختلافات به گونه‌ای فراگیر بود که در برخی شهرها، آرامنه ساکن برای خنثی کردن فعالیت مذهبی امریکاییها اقدام به ایجاد مدارس محلی کردند؛ از جمله در تهران مدرسه‌ای به نام «هایگازیان» در کوچه معیرالممالک تأسیس شد که هدف آن آموزش کودکان و نوجوانان ارمنی و مبارزه با میسیونهای خارجی از جمله هیئت مذهبی پروتستان امریکا بود. زیرا مدارس امریکایی در مناطق ارمنی نشین صورت گرفته کتاب و لباس و لوازم التحریر رایگان در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دادند و حتی به صورت هفته‌ای به اطفال پول پرداخت می‌کردند.<sup>۸</sup> شیوه‌های تبلیغی امریکاییها و عکس‌العمل مردم در برابر فعالیتهای مذهبی آنان در خور توجه است.

#### الف - مدارس

بخشی از فعالیتهای میسیونرهای مذهبی، ایجاد مدارس جدید در نقاط مختلف ایران بود. بنای اولیه این مدارس ابتدا در مناطق ارمنی نشین صورت گرفت و به مرور در شهرهای دیگر نیز گسترش یافت.

ارومیه و روستاهای اطراف آن به دلیل استقرار آسوریها، پیش از سایر نقاط مورد توجه این هیئتها قرار گرفت. امریکاییها نیز هم‌زمان با گروههای تبشیری در ارومیه استقرار یافتند. اولین مدرسه امریکایی این منطقه در حدود سال ۱۲۵۴ قمری توسط «پرکینز» تأسیس گردید.<sup>۹</sup> پرکینز در کنار تأسیس مدرسه به تدوین متون درسی نیز می‌پرداخت. عدم تطابق مذهبی این مدارس با ساخت مذهبی سنتی جامعه ایران سبب شد تا موقعیت این مدارس در معرض خطر قرار گیرد که پرکینز با دریافت فرمان محمدشاه سعی در حل این مشکل کرد.<sup>۱۰</sup>

با وجود این مردم از فرستادن فرزندان خود به چنین مدرسی امتناع می‌کردند. پرکینز به منظور جلب نظر خانواده‌ها ماهیانه مبالغی پول بین آنها توزیع می‌کرد.<sup>۱۱</sup> تلاش گروه پرکینز در ارومیه به تثبیت موقعیت و گسترش فعالیت آنان انجامید. در دوره ناصرالدین شاه تعداد زیادی از روستاهای ارومیه، تبریز و منطقه سلماس نیز تحت پوشش فعالیت این گروه مذهبی قرار گرفت.<sup>۱۲</sup> در این دوره، آموزش انجیل یکی از دروس اصلی مدارس محسوب می‌شد. ایجاد تمایل به پروتستان بین شاگردان این مدارس و کاستن از تعلقات آنها نسبت به ایران و فرهنگ ایرانی از دیگر برنامه‌های تبلیغی آنان محسوب می‌شد. هر چند که مرکز ثقل فعالیت امریکاییها در ارومیه قرار داشت اما با به بارنشستن فعالیتهایشان در این منطقه توجه خود را به برخی دیگر از شهرهای ایران از جمله تهران، همدان، اصفهان و رشت معطوف کردند. از دوره ناصری به بعد فعالیت این مدارس در آن شهرها آغاز شد. جکسن سیاح امریکایی

معلمین امریکایی آموزش می دیدند. از نکات مهم و جالب توجه، مکان نسبتاً وسیع این مدرسه بود که تا مدتها مورد منازعه قرار داشت. امریکاییها مدعی بودند این زمین را برای احداث مدرسه خریده اند و این در حالی بود که میرزاهاشم آشتیانی مدعی بخشی از این املاک بود. ظاهراً این موضوع به مجادله ای جدی بین گردانندگان مدرسه و آشتیانی مبدل شده بود. به گونه ای که نخست وزیر وقت، قوام السلطنه، وزارت خانه های امور خارجه و عدلیه گرفتار این مسئله شده برای حل آن کمیسیونی در وزارت امور خارجه تشکیل دادند که متشکل از محمدعلی فروغی و نماینده بانک ایران، مستر بوکار نماینده سفارت و منصور السلطنه معاون عدلیه بود. (سندهای شماره ۱، ۲، ۳).

امریکاییها معتقد بودند که این املاک را بر اساس قانون، از مستوفی الممالک خریده اند و این در حالی بود که آشتیانی بر اساس اسناد و مدارکی که ارائه می کرد، بخشی از این املاک را متعلق به خود می دانست. اسنادی که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد هر چند تمام ابعاد این موضوع را آشکار نمی کند اما به نوعی بخشی از مکاتبات اداری و ادعاهای نماینده سفارت امریکا به عنوان حامی حقوق مدرسه البرز و دیدگاههای دیوان عالی و در نهایت به نتیجه رساندن موضوع را ارائه می کند.

۱۰۶

با اینکه اسناد موجود خبری از تشکیل کمیسیون حل اختلاف نمی دهد و نتیجه اقدام کمیسیون نیز نامشخص است اما اسناد دیگر نشان دهنده آن است که تلاش سفارت امریکا برای ناکام گذاشتن اقدامات آشتیانی فاقد نتیجه لازم بوده است.

بخشی از اسناد، متن نامه مفصلی است که از سفارت خانه امریکا خطاب به قوام السلطنه، رئیس الوزراء، به سال ۱۹۲۲ میلادی صادر شده است. در این مکتوب، امریکاییها سعی داشتند تا بی اعتباری اسناد مورد نظر آشتیانی را اثبات نمایند.

در این نامه، سفارت معتقد است آشتیانی با اتکا بر محتویات پرونده، تلاش کرده موضوع را به دیوان عالی برده از طریق افراد صاحب نفوذ، رأی مثبت را به نفع خود به دست آورد. نویسنده در پایان نامه لحن خود را تهدیدآمیز نموده، رونق و ثبات روابط تجاری ایران و امریکا را منوط به دقت در حل این پرونده و البته به نفع امریکا دانسته است. (سند شماره ۴)

با وجود تهدیدی که توسط سفارت به عمل آمده است، دو نوشته کوتاه از دفتر نخست وزیر موجود است که در یکی از آنها به آقای نظم الملک رئیس محکمه وزارت امور خارجه تأکید شده که نتیجه تشکیل کمیسیون حل اختلاف را جستجو کند و اگر کمیسیون به نتیجه ای نرسیده با سرعت بیشتری در خصوص دعوا حکم صادر شود. (سند شماره ۵) در مکتوب دیگر، دفتر رئیس الوزراء، ظاهراً تأیید می کند که اسناد و مدارک در اختیار آشتیانی از استحکام و اعتبار

نگاهی به عملکرد مؤسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران

بیشتری برخوردار بوده است و تأکید می‌کند باید بررسی دیگری در پرونده نامبرده صورت گرفته حکم جدیدی صادر شود. (سند شماره ۶)

وزارت امور خارجه در پاسخ به نامه سفارت امریکا و نیز خواسته دفتر ریاست وزراء جواویه نسبتاً مفصلی برای قوام السلطنه ارسال می‌دارد. بخش‌هایی از متن یادداشت به دلیل ناخوانا بودن و خط خوردگیهای مکرر، مفهوم نیست با این حال نویسنده به تحلیل پرونده آشتیانی پرداخته از سال ۱۳۳۳ قمری که ظاهراً پرونده در خصوص این املاک در جریان بوده است ریشه‌یابی و چگونگی نقل و انتقال زمین و افراد مؤثر در پرونده و همچنین سیر بررسی آن را توضیح می‌دهد. به نظر می‌رسد جواویه در جهت پاسخ‌گویی به ادعاهای سفارت امریکا تنظیم گردیده، پس از توضیح مفصل درباره پرونده نهایتاً چنین نتیجه می‌گیرد که آشتیانی در اظهارات خود صادق بوده است و ربع اراضی که مدرسه اشغال نموده، ملک قانونی مشارالیه است. (سند شماره ۷)

پس از صدور این حکم، عدلیه حدود پنجاه و چهار هزار ذرع مربع از ضلع جنوب غربی اراضی را که در اختیار مدرسه بود به میرزاهاشم آشتیانی واگذار کرده موضوع خاتمه می‌یابد.<sup>۱۹</sup> علی‌رغم این اختلافات، مدرسه امریکایی در میان سایر آموزشگاههای اروپایی موقعیت مطلوب تری داشت. ریاست مدرسه تا مدت‌ها در اختیار «مستر ادوارد» بود و اواخر دوره قاجاریه جای خود را به «مستر جردن» داد. از نکات جالب توجه اینکه دکتر جردن ظاهراً به فعالیت داخل مدرسه قناعت نمی‌کرد و در صدد ایجاد مراکز جنبی برای جلب جوانان بوده است.

در میان اسناد موجود مکتوبی از دکتر جردن به سردار سپه به چشم می‌خورد که وی ضمن برشمردن مزایای ایجاد مدرسه و مراکز علمی و فرهنگی برای جوانان و اینکه وجود چنین مراکزی از بی‌کاری و فساد اخلاق جوانان جلوگیری خواهد نمود، به احداث مرکزی تحت عنوان «مجمع جوانان ایران» اشاره دارد. ریاست این مرکز بر عهده «دکتر شرک» امریکایی قرار گرفته و در پایان نیز خواستار ملاقات با رضاخان شد تا فواید ایجاد چنین مرکزی را برای او تشریح نماید. (سند شماره ۸) عکس‌العمل رضاخان که در این زمان پست ریاست وزراء را در اختیار داشت معلوم نیست اما با عنایت به اینکه مدارس امریکایی تا اواخر سلطنت او همچنان در ایران فعال بودند خود حکایت از عدم مخالفت با خواسته آنها دارد.

اما عکس‌العمل مردم در برابر فعالیت تبلیغی مراکز آموزشی امریکایی نیز قابل توجه است. هر چند اسناد و مدارک در این خصوص اندک و محدود می‌باشد اما همین تعداد آثار نیز نشان دهنده آن است که بعضاً جامعه ایران به رویه مدارس و مراکز آموزشی خارجی آگاه بوده نارضایتی خود را به حاکمیت وقت انتقال می‌داده است. در اسناد حاضر نامه‌ای به امضای تجار

و اصناف تهران وجود دارد که دقیقاً به فعالیتهای تبلیغی این مدارس تأکید نموده و می نویسد: «آنچه تاکنون از این مدارس بالاخص مدرسه امریکایی مشهود و ملحوظ گردید به غیر از نشر میکرب فساد اخلاق و کوشش در ایجاد نفاق و اختلافات و تزریق اوهام و خرافات در افکار و دماغهای نوباوگان و دوشیزگان ایرانی و بالاخره اضمحلال قومیت و ملیت که قهراً منتهی به تسلط اجانب و تخریب اساس دین مبین اسلامی است مقصود دیگری ندارد.» در ادامه برای حل این مشکل توصیه هایی نیز مطرح نموده اند. (سند شماره ۹)

در کنار اعتراض مستقیم به عملکرد مدارس امریکایی، ارسال نامه برای علمای وقت نیز از دیگر راههای مقابله با وضع موجود محسوب می شد. نامه ای به امضای آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی و آیت الله نائینی در دست است که حکایت از نارضایتی مردم نائین از فعالیت مدرسه امریکایی در این شهر دارد. این دو عالم شهیر جهان اسلام از طریق آیت الله زاده خراسانی خواستار انعکاس موضوع به دولت شده، مضرات فعالیت تبلیغاتی - مذهبی آموزشگاههای امریکایی را یادآور شده اند. آنها در این نامه تأکید کرده اند که اروپاییان برای تخریب اساس اسلام، هزینه های زیادی می پردازند و چون به نتیجه لازم نمی رسند از طریق مکاتب و مدارس، راه خود را هموار می نمایند. همچنین یادآور شده اند که افراد آموزش دیده از این مدارس به مرور ایام اداره کننده مدارس اسلامی خواهند شد و مطمئناً تحت تأثیر آموزشهای آنها به تربیت جوانان خواهند پرداخت. (سند شماره ۱۰)

عکس العمل دولت نسبت به این خواسته ها انعکاس مطلب به وزارت معارف بود که خواستار تحقیقات و پی گیری در خصوص صحت ادعاها و اقدام لازم شده بود. (سند شماره ۱۱)

#### ب - خدمات پزشکی و اقدامات تبلیغی

یکی دیگر از راههای مؤثری که اکثر گروههای تبشیری برای فعالیت خود در ایران برگزیدند، اقدامات درمانی و طبابت بود. پایین بودن سطح بهداشت عمومی در ایران و شیوع بیماریهای واگیر و مرگ و میرهای ناشی از این بیماریها، عملاً فضای مناسبی را در اختیار این گروهها قرار می داد. عدم اهتمام جدی دولتهای وقت در سامان بخشی به امور پزشکی نیز مزید بر علت شده بود تا هیئتهای تبلیغی پزشکانی را نیز همراه خود کنند که البته بعضاً برخی مبلغان، خود اندک مایه ای از دانش پزشکی داشتند و با استفاده از کم دانشی جامعه ایران در قالب اطباء ظاهر شده، به دایر کردن درمانگاه و یا مطب می پرداختند.<sup>۲۰</sup>

هیئتهای امریکایی از همان زمانی که فعالیتهای خود را در ارومیه شروع کردند اقدامات پزشکی را در کنار ایجاد مدارس، در زمره فعالیتهای اصلی خود قرار دادند. اگر چه نمی توان



نگاهی به عملکرد مؤسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران

نقش این پزشکان و درمانگاههای آنان را به ویژه در روستاهای دورافتاده نادیده گرفت اما علی‌رغم ظاهر خیرخواهانه حرکت آنان، نباید بهره‌برداری تبلیغی آمریکاییها را در کنار این اقدامات از نظر دور داشت.

«دکتر گرانت» سرپزشک هیئت آمریکایی در ارومیه، اولین بیمارستان آمریکایی را در این شهر پایه‌گذاری کرد. «دکتر کوچرال» از اعضای این هیئت نیز مسئولیت بیمارستان را برعهده گرفت.<sup>۲۱</sup>

پس از احداث بیمارستان ارومیه بویژه در جریان جنگ اول جهانی، آمریکاییها بیمارستانهای متعددی در دیگر شهرهای ایران تأسیس کردند.<sup>۲۲</sup>

از مهم‌ترین این بیمارستانها، بیمارستان رشت در حوالی باغ محتشم بود که حتی پس از شهریور ۱۳۲۰ش نیز به فعالیت خود ادامه می‌داد. در تهران نیز آنها ابتدا در منطقه آب سردار، بیمارستانی احداث کردند که پس از مدتی به بلوار کشاورز انتقال یافت تا اینکه بعدها بیمارستان ساسان جای آن را گرفت. آنها درمانگاهی نیز به نام «دریفوس» در تهران داشتند که مدتها بعد از جنگ دوم جهانی فعال بود.<sup>۲۳</sup>

۱۰۹

در هر صورت گستره‌ی فعالیتهای پزشکی هیئتهای آمریکایی همپای دیگر کارهای آموزشی آنها تداوم یافت. البته تبلیغات مذهبی در این اماکن شاید به شکل محدودتر و غیرمستقیم‌تری نسبت به مدارس اعمال می‌شد؛ ولی همین شیوه‌های محدود نیز از چشمان تیزبین جامعه پنهان نمی‌ماند.

مردم می‌دانستند که در زیر لوای خیرخواهی اطباء آمریکایی، تمایلات مذهبی نیز نهفته است. سندی با مهر «جامعه اسلامی» در دست است که از فعالیتهای تبلیغی پزشکان آمریکایی شکایت می‌کند. بر اساس سند موجود، گروهی از پزشکان آمریکایی در محله قنات‌آباد تهران درمانگاهی به نام «دارالشفای امید» برپا کرده به طبابت مشغول شده‌اند. این سند می‌گوید سربرگ نسخه‌های مورد استفاده این پزشکان با آیات انجیل طراحی شده است. (سند شماره ۱۲) از این رو شکواییه‌ای تنظیم و به دفتر ریاست‌الوزراء که در سال ۱۳۰۲ شمسی در اختیار رضاخان بود، ارسال می‌شود. به نظر می‌رسد عکس‌العمل دولت در قبال این اعتراض، صریح‌تر و بارزتر از اعتراضات پیشین بود. دولت ضمن ارجاع شکایت‌نامه به وزارت امور خارجه تأکید می‌کند که فعالیتهای تبلیغی آنها را متوقف نموده به آنها توصیه نماید برای حفظ مناسبات دوجانبه از اقداماتی که شائبه تبلیغاتی دارد خودداری نمایند. (سند شماره ۱۳)

سفارت آمریکا در پاسخ به این شکایت‌نامه، ضمن برشمردن مزایای فعالیت پزشکان آمریکایی و تأکید بر خیرخواهانه بودن اقدامات گروههای آمریکایی در ایران، اعتراض مربوطه

را ناشی از تنگ نظری طبای ایرانی دانسته است که حضور پزشکان امریکایی را مخل فعالیت خود می‌دانند و البته تصریح می‌کند که از انتشار برگه‌های پزشکی با آیات انجیل خودداری خواهد شد. (سندهای شماره ۱۴ و ۱۵)

به نظر می‌رسد فشارهای اجتماعی نسبت به فعالیتهای تبلیغی امریکاییها در ایران به نوعی بر عملکرد دولت تأثیرگذار بوده در فضا سازی برای فعالیت آنها، محدودیتهایی را قائل می‌شده‌اند. در سال ۱۳۰۴ شمسی در آستانه تغییر سلطنت، مکتوبی از وزارت امور خارجه در اختیار است که به رضاخان به عنوان ریاست وزراء یادآور می‌شود که گروه پزشکی امریکایی در ارومیه برای توسعه بیمارستان، زمینهای بیشتری را لازم داشته، مدت‌ها پیش قول آنها را از رضاخان گرفته‌اند. اما با پی گیریهای به عمل آمده، او با واگذاری زمین مخالفت می‌کند. در این میان وزارت امور خارجه اصرار دارد که رضاخان را بر واگذاری این زمینها ترغیب نماید. (سند شماره ۱۶)

آنچه تاکنون آمد، بخشی از اقدامات گروههای تبشیری امریکایی بود که در ایران شکل گرفت. در نوشته حاضر تنها به دو بخش مدرسه و طبابت اشاره شد و قطعاً فعالیتهای این گروهها در قالبهای دیگری نظیر کمیته‌های اعانه و یا انتشار روزنامه و چاپ کتاب نیز برقرار بوده است.

در کنار فعالیت این بخش امریکاییها در زمینه‌های دیگری از جمله سیاسی، مالی و باستان شناسی در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی در ایران فعال بودند. ورود گروههای مالی مانند شوستر و میلسپو، فعالیتهای باستان شناسی آنها نظیر اقدامات پرفسور پوپ که بخش زیادی از اکتشافات خود را تحت حمایت دولت و با استفاده از معافیتهای گمرکی از ایران خارج کرد از جمله کارکردهای نمایندگان این کشور است که بررسی و تحلیل عملکرد آنها از موضوع این مقاله خارج است.

#### پانوشتها:

\* استاد یار دانشگاه اراک

1- Smith.

2- Dwight.

نگاهی به عملکرد مؤسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران

۳- نوایی معتقد است آنها در سال ۱۲۴۴ قمری و برای بررسی وضعیت مسیحیان آذربایجان به ایران سفر کردند. (ایران و جهان، ج ۲، تهران، نشر هما، ۱۳۶۹، ص ۴۴۱). کرزن از سال ۱۸۳۰ میلادی سخن می‌گوید که یک سال با دیدگاه نوایی اختلاف دارد. (ایران و قضیه ایران، ج ۱، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۶۸۸). این در حالی است که جکسن سیاح آمریکایی سال ورود این هیئت را ۱۸۳۵ میلادی می‌داند که با نظرات پیش گفته اختلاف اساسی دارد. (سفرنامه، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۵) هما ناطق تمام تاریخهای ذکر شده را اشتباه تلقی کرده به استناد اسناد مبلغان، سال ۱۸۳۱ میلادی را به دست می‌دهد. (ایران در راهیابی فرهنگی ۱۸۳۴-۱۸۴۸، لندن، نشر پیام، ۱۹۸۸، ص ۱۸۰).

۴- ناطق، هما، ایران در راهیابی فرهنگی ۱۸۳۴-۱۸۴۸، لندن، نشر پیام، ۱۹۸۸، ص ۱۸۰.

5- Justin Perkins.

۶- نوایی، عبدالحسین، ایران و جهان، ج ۲، تهران، نشر هما، ۱۳۶۹، ص ۴۴۲.

۷- کرزن، جرج، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

۸- هوویان، آندرانیک، ارمنیان ایران، تهران، هرمس، ۱۳۸۰، ص ۴۰.

۹- قبال، عباس؛ «داستانی از مبلغین عیسوی در ایران»، یادگار، س سوم، ش ۶ و ۷، ص ۶۰.

۱۰- محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۴۰.

۱۱- ناطق، هما، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، تهران، معاصر پژوهان، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹.

۱۲- ایران و قضیه ایران، ص ۶۸۹.

۱۳- سفرنامه، ص ۱۷۱.

۱۴- فروحی، علی و طالبی، فرامرز؛ ارمنیان گیلان، ج ۲، رشت، گیلکان، ۱۳۷۷، ص ۱۰۲.

۱۵- قاسمی پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجاریه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۵۲۱.

۱۶- اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، به کوشش سهیلا ترابی فارسانی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸، ص ۴۲.

۱۷- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ص ۳۶۸.

۱۸- رامتین، حسین، امریکاییها در ایران، تهران، باما، ۱۳۴۱، صص ۳۰ و ۳۱.

۱۹- دبیرستان البرز و شبانه‌روزی آن، به کوشش میراسدالله موسوی ماکویی، تهران، بیستون، ۱۳۷۸، ص ۱۴.

۲۰- الگود، سیریل؛ تاریخ پزشکی ایران، ترجمه محسن جاویدان، تهران، اقبال، ۱۳۵۲، ص ۵۸۶.

۲۱- تاج‌بخش، حسن، تاریخ بیمارستانهای ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۰.

۲۲- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳، تهران، علمی، ۱۳۷۴، صص ۹۰ و ۹۱.

۲۳- تاریخ بیمارستانهای ایران، ص ۳۱۱.

شماره ثبت سند: ۱۴  
امم نو: ۱۳۰۰



وزارت معارف و اوقاف

شماره ثبت سند: ۱۴  
امم نو: ۱۳۰۰

در خصوص...

Main body of handwritten text in Persian script, appearing to be an official document or correspondence.



۱۱۳







دارالترجمہ و وزارت امور خارجہ

لاہور

۱۹۶۶

تذکرہ لکھنؤ . عدلیہ غیر معلومہ ہم تھا کہ کچھ وقت سے کراچی کے ایک طالب علم  
 جہیون خان نے عدالت (؟) لکھنؤ لکھی .  
 ۲ . مکتوبہ دیگر اس وقت کہ در کراچی ۱۳۴۵ھ میں لکھی گئی اور اس کے ذریعہ  
 وقت و ترقی امور و جوف اس وقت کہ پہلے لکھی گئی اور تیسرے وقت سے  
 ۳ . یہ صفحہ دستاویز اس وقت کہ مکتوبہ میں اس وقت لکھی گئی اور اس کے  
 مکتوبہ میں عدلیہ .  
 ۴ . مکتوبہ دیگر اس وقت لکھی گئی کہ سنہ ۱۳۴۵ھ میں لکھی گئی اور اس کے  
 کچھ وقت سے کراچی کے ایک طالب علم جہیون خان نے عدالت (؟) لکھی .  
 اور یہ اس وقت لکھی گئی کہ مکتوبہ میں اس وقت لکھی گئی اور اس کے  
 یہ مکتوبہ دیگر اس وقت لکھی گئی کہ سنہ ۱۳۴۵ھ میں لکھی گئی اور اس کے  
 سے طرف میں ہم تا یہ ان ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۴۵ھ میں لکھی گئی اور اس کے  
 مکتوبہ میں اس وقت لکھی گئی کہ مکتوبہ میں اس وقت لکھی گئی اور اس کے



شماره ۳۳ - ۳۴  
وزارت ترجمه و روابط عمومی - تهران - ۱۳۵۸  
۱۳۵۸

در این مراسم که در تاریخ ۱۳۵۸ برگزار گردید، در ابتدا با تلاوت قرآن مجید و پخش سرود ملی، مراسم افتتاحیه انجام شد. سپس به منظور آشنایی بیشتر با موضوع و اهداف این طرح، گزارشی در خصوص فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی مؤسسه در ایران ارائه گردید. در ادامه، سخنرانان به بحث و تبادل نظر در خصوص وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران پرداختند و راهکارهای عملیاتی برای توسعه و گسترش فعالیت‌های تبلیغی در این کشور پیشنهاد دادند.

در این مراسم، سخنرانان به بررسی وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران پرداختند و راهکارهای عملیاتی برای توسعه و گسترش فعالیت‌های تبلیغی در این کشور پیشنهاد دادند. همچنین، در این مراسم، سخنرانان به بحث و تبادل نظر در خصوص وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران پرداختند و راهکارهای عملیاتی برای توسعه و گسترش فعالیت‌های تبلیغی در این کشور پیشنهاد دادند.

در این مراسم، سخنرانان به بحث و تبادل نظر در خصوص وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران پرداختند و راهکارهای عملیاتی برای توسعه و گسترش فعالیت‌های تبلیغی در این کشور پیشنهاد دادند.

سخنرانان در این مراسم به بحث و تبادل نظر در خصوص وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران پرداختند و راهکارهای عملیاتی برای توسعه و گسترش فعالیت‌های تبلیغی در این کشور پیشنهاد دادند.

سخنرانان در این مراسم به بحث و تبادل نظر در خصوص وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران پرداختند و راهکارهای عملیاتی برای توسعه و گسترش فعالیت‌های تبلیغی در این کشور پیشنهاد دادند.

سخنرانان در این مراسم به بحث و تبادل نظر در خصوص وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران پرداختند و راهکارهای عملیاتی برای توسعه و گسترش فعالیت‌های تبلیغی در این کشور پیشنهاد دادند.

سخنرانان در این مراسم به بحث و تبادل نظر در خصوص وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران پرداختند و راهکارهای عملیاتی برای توسعه و گسترش فعالیت‌های تبلیغی در این کشور پیشنهاد دادند.









<p>تذکرہ اشعار و کلام جلد اول صفحہ ۱۲۲</p>	<p>تذکرہ اشعار و کلام جلد اول صفحہ ۱۲۲</p>	<p>تذکرہ اشعار و کلام جلد اول صفحہ ۱۲۲</p>
<p>تذکرہ اشعار و کلام جلد اول صفحہ ۱۲۲</p>		<p>تذکرہ اشعار و کلام جلد اول صفحہ ۱۲۲</p>
<p>تذکرہ اشعار و کلام جلد اول صفحہ ۱۲۲</p>		<p>تذکرہ اشعار و کلام جلد اول صفحہ ۱۲۲</p>

امروزه این نوع تبلیغ در ایران بسیار رایج است و به واسطه این تبلیغ‌ها، مردم ایران با مفاهیم و عقاید غربی آشنا شده‌اند.  
موسسات تبلیغی غربی در ایران از سال ۱۹۴۸ به بعد در حال فعالیت است و در هر یک از این موسسات، افرادی را استخدام می‌کنند که با استفاده از روش‌های مختلف، مردم ایران را تحت تأثیر خود قرار دهند.  
این تبلیغ‌ها در ایران از طریق روش‌های مختلف صورت می‌گیرد. از جمله این روش‌ها می‌توان به استفاده از مطبوعات، رادیو، تلویزیون، کلاس‌ها، جلسات، و ... اشاره کرد.  
هدف از این تبلیغ‌ها، تغییر افکار مردم ایران و ایجاد حسادت و کینه بین ایرانیان و غربیان است. همچنین با تبلیغ مفاهیم غربی، سعی می‌کنند تا مردم ایران را از عقاید و ارزش‌های خود دور کنند.  
این تبلیغ‌ها در ایران به واسطه روش‌های مختلف صورت می‌گیرد. از جمله این روش‌ها می‌توان به استفاده از مطبوعات، رادیو، تلویزیون، کلاس‌ها، جلسات، و ... اشاره کرد.  
هدف از این تبلیغ‌ها، تغییر افکار مردم ایران و ایجاد حسادت و کینه بین ایرانیان و غربیان است. همچنین با تبلیغ مفاهیم غربی، سعی می‌کنند تا مردم ایران را از عقاید و ارزش‌های خود دور کنند.

۲

رہاست وزراء

رج ذی القعدہ ۱۳۸۱

۱۳۸۱

کہ دربارہ رسد علی بن علی کے لکھنے میں اہم اہم سے جمع ہوا ہے۔ یہاں پر دربارہ رسد  
 وصال آئی ہے اور یہ رسد جو کہ منصفیہ میں لکھی گئی ہے اس میں اس وقت کے دربارہ رسد  
 اور اس میں جمع ہوا ہے۔ اس میں اس وقت کے دربارہ رسد اور اس میں جمع ہوا ہے۔  
 اس میں اس وقت کے دربارہ رسد اور اس میں جمع ہوا ہے۔ اس میں اس وقت کے دربارہ رسد  
 اور اس میں جمع ہوا ہے۔ اس میں اس وقت کے دربارہ رسد اور اس میں جمع ہوا ہے۔  
 اس میں اس وقت کے دربارہ رسد اور اس میں جمع ہوا ہے۔ اس میں اس وقت کے دربارہ رسد  
 اور اس میں جمع ہوا ہے۔ اس میں اس وقت کے دربارہ رسد اور اس میں جمع ہوا ہے۔



نگاهی به عملکرد مؤسسات تبلیغی آمریکایی ها در ایران



(سند شماره ۸)

۱۲۵

**تاسع اربع جمع بیست و نهم صومالی**

تاسع بیست و نهم صومالی... (The text is dense and mostly illegible due to fading and bleed-through. It appears to be a list or a detailed account of items or events.)

**پروکاه علوم السالی جوهظالطیة فرسی**

**برنال جمع علوم السالی**

۱۲۶

حکم دوازدهم از حکم

فصل در بیان استحضار بر اینست که هرگاه در امور دینی و اجتماعی ایران به سرانجام نرسد و به تبلیغ و ترویج  
 شود در این باب است که باید در امور تعلیم و تربیت و احکام و احکامات در این باب است  
 در این باب است که باید در امور تعلیم و تربیت و احکام و احکامات در این باب است  
 در این باب است که باید در امور تعلیم و تربیت و احکام و احکامات در این باب است  
 در این باب است که باید در امور تعلیم و تربیت و احکام و احکامات در این باب است  
 در این باب است که باید در امور تعلیم و تربیت و احکام و احکامات در این باب است  
 در این باب است که باید در امور تعلیم و تربیت و احکام و احکامات در این باب است  
 در این باب است که باید در امور تعلیم و تربیت و احکام و احکامات در این باب است  
 در این باب است که باید در امور تعلیم و تربیت و احکام و احکامات در این باب است  
 در این باب است که باید در امور تعلیم و تربیت و احکام و احکامات در این باب است  
 در این باب است که باید در امور تعلیم و تربیت و احکام و احکامات در این باب است

پروین کاخ علوم اسلامی المدعو المرحوم آقا میرزا محمد علی غفران



رتال جامع علوم انسانی

الارواح فی بلاد الخیر

نوع موقوفہ _____ موضوع موقوفہ _____ نسبتہ _____ منقول یا کنویں _____	 <b>ریاست وزراء</b>	۷ نمبر (۸) نمبر موقوفہ: ۱۰ ج ۲ نمبر بخش: ۵ کارٹی: ۵ دوپہ: _____
تاریخ تحریر - برج _____ تاریخ پاکستان کنویں - برج _____ تاریخ ثبت ۸ مارچ ۱۳۵۲		
<p>حضرت میر محمد شہنشاہ صاحب باقر آباد علیہ الرحمہ و اولاد مبارکہ فرما کر فرمودہ ہے کہ</p> <p>مذکورہ موقوفہ زمینیں اسی طرح رہیں جو ان کے والدین کے پاس تھیں اور ان کے اولاد مبارکہ کے لئے رہیں۔</p> <p>مذکورہ زمینوں کے بارے میں کسی بھی طرح کی تبدیلی یا منتقلی نہ ہو۔</p> <p>نشان میر محمد شہنشاہ صاحب</p> <p>میر محمد شہنشاہ صاحب فرماتے ہیں کہ ان زمینوں کے بارے میں میر محمد شہنشاہ صاحب</p> <p>مذکورہ زمینوں کے بارے میں میر محمد شہنشاہ صاحب فرماتے ہیں کہ ان زمینوں کے بارے میں میر محمد شہنشاہ صاحب</p> <p>مذکورہ زمینوں کے بارے میں میر محمد شہنشاہ صاحب فرماتے ہیں کہ ان زمینوں کے بارے میں میر محمد شہنشاہ صاحب</p> <p>مذکورہ زمینوں کے بارے میں میر محمد شہنشاہ صاحب فرماتے ہیں کہ ان زمینوں کے بارے میں میر محمد شہنشاہ صاحب</p>		
<div style="border: 1px solid black; display: inline-block; padding: 2px;">                     میر محمد شہنشاہ صاحب                      مندرجہ بالا زمینوں کے بارے میں میر محمد شہنشاہ صاحب فرماتے ہیں کہ ان زمینوں کے بارے میں میر محمد شہنشاہ صاحب                 </div>		



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پایه کتابت ۷۵۱  
کتابخانه ۱۰  
تاریخ ثبت کتاب ۱۰  
شماره ثبت کتاب ۴۰

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تلاش برای احیای دوباره آداب و سنن اسلامی و تقویت روحیه ملی و انقلابی در بین مردم است. این امر نیازمند توجه جدی به مباحث فرهنگی و ادبی است. در این راستا، تلاش می‌شود تا با گردآوری و نشر آثار ارزشمند و فاخر، زمینه‌ساز ارتقای سطح فرهنگی و ادبی جامعه شود. این آثار شامل مباحث گوناگون از جمله تاریخ، فلسفه، عرفان و ادبیات است. امید است که از طریق این تلاش‌ها، بتوانیم سهمی در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی داشته باشیم.

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شماره ثبت کتاب ۴۰  
تاریخ ثبت کتاب ۱۰  
کتابخانه ۱۰  
پایه کتابت ۷۵۱

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی





وزارت امور خارجہ

ادارہ شہرہائے  
سولہ - حکومت ہند  
موجودہ نمبر ۱۹۲۵  
نمبر ۱۷۲

سندھ کی عوامی تعلیم

۱۹۲۵ء - ۱۹۲۴ء کے درمیان سندھ کی عوامی تعلیم کے بارے میں ایک رپورٹ تیار کی گئی ہے۔ اس رپورٹ میں سندھ کی عوامی تعلیم کی موجودہ حالت اور اس کی ترقی کے لیے ضروری اقدامات کے بارے میں تفصیلاً بحث کی گئی ہے۔ رپورٹ میں مذکور ہے کہ سندھ کی عوامی تعلیم میں ایک بڑے پیمانے پر ترقی ہوئی ہے اور اس کی وجہ سے عوام کی تعلیم یافتگی میں اضافہ ہوا ہے۔

رسالہ جامع علوم اسلامیہ

پبلشر: مولانا محمد رفیع صاحب  
۱۹۲۵ء



نگاهی به عملکرد مؤسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران



(سند شماره ۱۶)